

ویژگی‌ها و پیامدهای قیام پانزده خرداد بر پایه تحلیل خاطرات سیزده تن از شخصیت‌های روحانی

مجله مطالعات تاریخی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ویژگی‌ها و پیامدهای قیام پانزده خرداد بر پایه تحلیل خاطرات سیزده تن از شخصیت‌های روحانی

● زینب دارابی*

۲۶۵

چکیده

آن‌چه در نگاه یک نسل قطعی و بدیهی می‌نماید، بعید نیست برای نسل بعد و نسل‌های آینده این‌گونه نباشد. از این‌رو علم تاریخ به‌کمک قرائن و شواهد و مشاهدات و خاطرات و اسناد و مدارک به تشریح و تحلیل رویدادها و تحولات جامعه می‌پردازد تا آن‌چه به‌عنوان تاریخ رویدادها و تحولات به نسل آینده عرضه می‌شود، مستند، مستدل و برخوردار از پشتوانه‌ای مستحکم باشد.

نگارنده در این مقاله تلاش می‌کند بر پایه مطالعه و تحلیل خاطرات سیزده تن از شخصیت‌ها و فعالان روحانی که خود از نزدیک شاهد حوادث پانزده خرداد ۱۳۴۲ بوده‌اند، برخی ویژگی‌ها و پیامدهای این قیام را تبیین کند. به‌عنوان مهم‌ترین نکاتی که از خاطرات این فعالان در تبیین ویژگی‌ها و پیامدهای قیام ۱۵ خرداد قابل برداشت است، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

نقش محوری باورهای اسلامی، رهبری امام‌خمینی (ره) و حضور توده مردم در قیام ۱۵ خرداد؛

تفاوت اساسی قیام ۱۵ خرداد با نمونه‌های پیش از آن (جنبش تنباکو، نهضت مشروطه و ملی‌شدن صنعت نفت)؛

گسترش کمی و کیفی حضور روحانیت در عرصه جامعه و سیاست در ابعاد نظری و عملی؛

تنزل جایگاه دیدگاه‌های غیردینی (مارکسیسم، ناسیونالیسم و لیبرالیسم) در تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی ایران.

این تحقیق بر پایه مطالعه و برداشت از خاطرات ۱۳ تن از روحانیون حاضر در قضایای قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ش سامان یافته است.

شخصیت‌های روحانی که خاطرات آنها موضوع این مقاله قرار داده شده است، عبارتند از:

(آیت‌الله) آذری قمی، احمد

(آیت‌الله) امینی، ابراهیم

(آیت‌الله) بدلا، حسین

(آیت‌الله) بنی‌فضل، مرتضی

(آیت‌الله) تهرانی، حسن

(آیت‌الله) خرازی، محسن

(آیت‌الله) خلخالی، صادق

(آیت‌الله) صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله

(آیت‌الله) طاهری خرم‌آبادی، حسن

(آیت‌الله) فیض‌گیلانی، محمد

(آیت‌الله) گرامی، محمد

(آیت‌الله) محفوظی، عباس

(آیت‌الله) مؤمن، محمد

برخی ویژگی‌های مشترکی که می‌توان برای خاطره‌نگاران این مجموعه برشمرد، از این قرار است:

۱. همه این افراد، روحانی و تحصیل‌کرده حوزه علمیه هستند.
۲. این عده از نزدیک شاهد رویدادهای مرتبط با قیام ۱۵ خرداد ۴۲ بوده‌اند.
۳. خاطرات آنها به‌صورت مصاحبه و در سال‌های پس از انقلاب ثبت و مکتوب شده است. بنابراین چون همزمان با حوادث، خاطرات خود را نوشته‌اند، طبیعی است که برخی جزئیات حوادث فراموش شده باشد.
۴. با توجه به تحصیلات حوزوی خاطره‌نگاران، ادبیات مشترک و فضای مشابهی در متن و لحن خاطرات مشاهده می‌شود.
۵. خاطره‌نگاران علاوه بر مشاهده عینی حوادث، فعالیت‌هایی نیز در همراهی با قیام ۱۵ خرداد داشته‌اند.

محورهای اصلی مقاله حاضر عبارتند از:

ویژگی‌ها و پیامدهای قیام پانزده خرداد بر پایه تحلیل خاطرات...

محوریت باورهای دینی؛ تغییر رویکرد از مخالفت با دولت به مبارزه با شخص شاه؛ تعمیق پیوند بین مردم و روحانیت به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی؛ مقایسه قیام پانزده خرداد با نهضت‌های پیشین؛ توجه به مسائل مستحدثه؛ کاهش اعتبار دیدگاه‌های مارکسیستی و ناسیونالیستی در جامعه ایران؛

نگارنده تلاش کرده صرفاً برپایه آنچه در خاطرات منعکس شده به استنباط و تجزیه و تحلیل مسائل تاریخی مرتبط با قیام پانزده خرداد بپردازد و از قضاوت شخصی و موافقت و مخالفت بی‌منا پرهیز کند.

نویسنده، مخاطب اصلی این مقاله را هم‌نسلان خود می‌داند که شاهد رویدادها و تحولات سال‌های نخست انقلاب و پیش از آن نبوده و خاطراتی از این دست، اکنون بخش مهمی از منابع مطالعات تاریخی آنها را برای اطلاع از آنچه در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ روی داده تشکیل می‌دهد.

محور اول: باورهای دینی

یکی از مهم‌ترین نکاتی که از خاطرات فعالان روحانی برداشت می‌شود، نقش اساسی و محوری باورهای دینی در ایجاد و تقویت انگیزه، شکل‌گیری و جهت‌دهی به قیام پانزده خرداد است.

این مسئله گاهی در بهره‌مندی قیام از نمادهای اصیل و حماسی دینی از جمله عاشورا و کربلا و نهضت حضرت سیدالشهدا(ع) خود را نشان می‌دهد، چنان‌که آیت‌الله آذری قمی در این باره تصریح دارد که: «یکی از مسائلی که در جریان قیام ۱۵ خرداد اهمیت داشت، مسئله مذهب بود. واقعاً همه شور قیام از روضه حضرت امام حسین(ع) آغاز شد.»^۱

آیت‌الله امینی نیز همین مفهوم را با تعبیر مشابهی بیان می‌کند: «لحن منبری‌ها و صحبت‌های آنها هم در این زمان تغییر کرده بود. البته همه درباره امام حسین(ع) صحبت می‌کردند و راجع به فجایع دستگاه بنی‌امیه می‌گفتند ولی طوری که گوشه و کنایه داشت و جنایات بنی‌امیه با حرکت‌های دستگاه شاه منطبق می‌شد. وقتی هدف امام حسین(ع) را تعقیب و بیان می‌کردند جواری صحبت می‌شد که معلوم بود یک هدف دینی و اسلامی بیان می‌شود.»^۲

زمانی نیز به‌عنوان مرزبندی با برخی گروه‌های سیاسی که اعتقادات اسلامی در اندیشه و ساختار آنها نقشی جدی نداشت، مطرح می‌شد: «۱۵ خرداد قیامی صددرصد اسلامی بود و گروه‌های دیگر از جمله جبهه ملی، حزب توده و حزب زحمت‌کشان نقشی در آن نداشتند. آنها حتی به‌معنای دقیق کلمه مخالف این قیام بودند و این قیام را قیام عوام می‌دانستند.»^۳ مشابه این نکته را می‌توان از خاطرات آیت‌الله خلخالی نیز برداشت کرد: «هیچ‌وقت

آدم‌های سیاسی و افرادی از جبهه ملی و حزب مردم و حزب توده و امثال اینها در میان مردم نبودند.»^۴

در مقاطع مهمی نیز باورهای دینی در قالب مواضع رهبری قیام نمود می‌یافت چنان‌که حضرت امام (ره) پس از قضیه مدرسه فیضیه فرمودند: «ما عید نداریم برای این‌که احکام اسلام در خطر است.»^۵

در قضیه فراندوم نیز حضرت امام تمرکز و نقطه اصلی رویارویی با حکومت پهلوی را بر مسائل دینی و احکام اسلام گذاشته و تلاش کردند واکنش‌های اعتراضی بخش‌های مختلف جامعه اعم از توده مردم و نخبگان را حول این محور سامان دهند:

حضرت امام بیانه‌هایی را صادر کردند. در آن بیانه‌ها مردم و علمای بلاد را از اهداف و مقاصد رژیم آگاه نمودند. در اولین بیانه‌های‌شان فرمودند اسلام در معرض خطر است. بعضی از مطرح کردن این جمله خیلی وحشت داشتند. حتی بعضی‌ها را که گرفته بودند به آنان گفته بودند شما می‌توانید بروید و به کارتان ادامه دهید ولی مشروط به این‌که نگویید اسلام در معرض خطر است.^۶

تلاش حضرت امام برای جلب نظر و همراهی نخبگان و علما در دفاع از اسلام، محدود به بیانه‌های عمومی و آشکار نمی‌شد بلکه چنان‌که از برخی نکات خاطرات استنباط می‌شود ایشان با ارسال پیام‌های خصوصی نیز همین خط‌مشی را دنبال می‌کردند: «حضرت امام با پیام‌های خصوصی که (به علما) می‌دادند می‌فرمودند: این وظیفه شما در مقابل دستگاه است. آنها می‌خواهند با اسلام مبارزه کنند و مسئله اصلاً شخصی نیست. ایشان فریاد می‌زدند: آیا وظیفه شرعی شما نیست که از اسلام حمایت کنید و به داد اسلام برسید؟»^۷

تأکید خاطره‌نگاران بر این نکته است که مواضع حضرت امام در دفاع از اسلام، مقطعی و متأثر از حوادث روز جامعه نبوده بلکه موضعی اساسی و ریشه‌دار بوده و پیشینه آن به ده‌ها سال پیش از آن بازمی‌گردد. آیت‌الله بنی‌فضل تأکید دارد که حضرت امام در دفاع از اسلام زمانی که «حدود بیست‌ونه یا سی سال داشتند، کتاب کشف‌الاسرار را نوشتند.»^۸ و آیت‌الله بدلا نیز معتقد است امام خمینی در این کتاب، که آن را «اولین اثر بزرگ امام» توصیف کرده «به‌حمایت از دین و اسلام پرداختند.»^۹

گاهی نیز باورهای دینی در واکنش و رفتار سیاسی و اجتماعی مردم بروز می‌یابد. نمونه این امر را می‌توان در پی‌گیری قشرهای وسیعی از مردم برای آزادی امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر قیام و مدافع اسلام، از بند حکومت پهلوی مشاهده کرد: «مردم اسلام را می‌خواستند و از خطراتی که متوجه اسلام بود نگران بودند و چون امام را یک رهبر مدافع اسلام می‌دیدند

ویژگی‌ها و پیامدهای قیام پانزده خرداد بر پایه تحلیل خاطرات...

استخلاص او را می‌خواستند.^{۱۰}

در شعارهایی که مردم در تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها سر می‌دادند نیز صبغه اعتقادات دینی غلبه دارد. برای نمونه به برخی شعارها اشاره می‌شود:

«خمینی، خمینی، تو فرزند حسینی»^{۱۱}

«روز عاشورای سال ۴۲ وقتی جمعیت به کاخ مرمر رسیدند جلو کاخ مرمر شروع کردند به شعار دادن مثلاً:

تا کی تو داری شور و شر یابن مرجانه

کاخت کنیم زیر و زبر یابن مرجانه

فیضیه شده قتلگاه، قم شده کربلا.»^{۱۲}

«مردم در محرم ۴۲ شعار می‌دادند: مقتول راه دین، به‌ایدی المشرکین.»^{۱۳}

این نکته که برخی خاطره‌نگاران تأکید کرده‌اند «امام همیشه مقید بودند که این نهضت را با عنوان اسلام نگه دارند»^{۱۴} به‌روشنی در روش مبارزاتی حضرت امام نیز بازتاب یافته است. چنان‌که از برخی مطالبی که در خاطرات منعکس شده می‌توان چنین استنباط کرد که حضرت امام حتی در استفاده و به‌کارگیری ابزارها و وسایل مبارزه نیز تلاش می‌کردند از چارچوب باورهای دینی خارج نشوند. خاطره‌ای که آیت‌الله طاهری در این باره نقل کرده و از نظر زمانی به دوره پس از حادثه فیضیه بازمی‌گردد، جالب و آموزنده است:

آن روزها صحبت از آن بود که بهتر است عشایر را علیه دولت تحریک کنند و حرکت را این‌گونه آغاز کنند زیرا در همان روزگار، عشایر فارس و لرستان با یاغی‌گری در برابر دولت می‌ایستادند و سخن از این شد که حرکت عشایر از طرف مراجع و روحانیون هدایت شود و حرکتی سراسری شود. امام همان موقع به نکته جالبی اشاره فرمودند که: «عشایر قیام می‌کنند و عبای من و آقای شریعتمداری را هم می‌برند.» مقصود امام آن بود که تصور نکنیم عشایر مطلقاً از ما دفاع خواهند کرد. نظر امام این بود که مبارزه به تمام معنا اسلامی باشد و برای رسیدن به هدف هرگز مرتکب جرم و گناه نشویم. اکنون به‌خاطر ندارم که پیش کشیدن این پیشنهاد از سوی چه کسی بود اما کاملاً به‌خاطر دارم که از طرف مراجع نبود.^{۱۵}

محور دوم: تغییر رویکرد از مخالفت با دولت به مبارزه با شخص شاه

شاه در جامعه و حکومت ایران از هزاران سال پیش همواره به‌عنوان بالاترین مقام و مرتبه سیاسی و اجتماعی، ویژگی‌ها و منزلتی منحصر به‌فرد داشته است. تصور عمومی و باور توده

مردم نسبت به مقام شاه، اغلب آمیخته با مؤلفه‌هایی هم‌چون احترام، ترس، اطاعت و گاه حتی تقدیس نیز بوده است. تعبیری هم‌چون این‌که:
شاه سایه خداست؛

چه فرمان یزدان چه فرمان شاه؛

و امثال آن، به‌خوبی گویای ذهنیت غالب جامعه در این باره است. با این اوصاف مشخص می‌شود که امام‌خمینی در شکل‌دهی و گسترش مبارزه با حکومت پهلوی و شخص شاه (محمدرضا) با چه موانع نظری و عملی روبه‌رو بوده‌اند. مشکلات این مبارزه زمانی بیشتر خود را می‌نمایاند که مشخص شود ذهنیت و تصور بخش عمده‌ای از نخبگان جامعه نیز درباره مقام شاه تفاوت چندانی با دیدگاه عمومی جامعه نداشته و بسیاری از بزرگان جامعه نیز نگاهی آمیخته با احترام و جایگاهی غیرقابل انتقاد برای شاه قائل‌اند.
این نکته صراحتاً در خاطرات بازتاب یافته است:

(پیش از پانزده خرداد) اکثر قشرهای مردم به مضرات سلطنت و به‌خصوص شخص شاه توجه نداشتند؛ حتی اهل علم و حوزه‌ها. اکثر مردم اعتقاد داشتند که حیات کشور بدون سلطنت و شاه نمی‌تواند ادامه پیدا کند و حتی بقای مذهب اسلام و قرآن را منوط به بقای سلطنت می‌دانستند. این اعتقادی بود که به خورد اکثریت مردم داده بودند ... تا قبل از شروع نهضت امام، اکثریت قاطع حوزه‌ها بر این اعتقاد بودند که اگر شاه و سیاست شاه نباشد ما سیاست و استقلال نخواهیم داشت. کشور نخواهیم داشت ... می‌گفتند: مگر می‌شود با عمامه و نعلین به جنگ توپ و تانک رفت، به جنگ شاه رفت؟^{۱۶}

آیت‌الله امینی نیز بر همین نکته تأکید دارد: «قبل از پانزده خرداد رژیم شاه یک حالت قداستی داشت و کسی جرأت نمی‌کرد تعرضی به آن بکند».^{۱۷}

حتی در جریان مخالفت با تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و لغو آن «به شاه که سرمنشأ فساد بود هیچ پرخاشی نشد. ضمن این‌که خود علما هم این‌گونه مصلحت نمی‌دیدند. این مسئله سبب می‌شد که هر زمان پای شاه به میان می‌آمد مردم به تردید می‌افتادند».^{۱۸} به‌دیگر سخن تا این مقطع «هیچ‌کس صراحتاً نمی‌گفت که شاه ام‌الفساد است».^{۱۹}

شاه نیز شخصاً تلاش می‌کرد از باورهای دینی جامعه برای تحکیم جایگاه و ترسیم چهره‌ای مطلوب از خویش سوءاستفاده کند. زیارت، روزه، مهدویت و مقدساتی مانند آن از جمله مواردی است که شاه در مسیر خواسته‌های خویش از آنها بهره‌برداری می‌کرد:
آن زمان شاه چه در داخل و چه در خارج کشور وانمود کرده بود که نظر کرده حضرت ابوالفضل است. محرم شاه هم روزه می‌گذاشت.^{۲۰}

ویژگی‌ها و پیامدهای قیام پانزده خرداد بر پایه تحلیل خاطرات...

شاه هم با ظاهرسازی خودش را خوب جلوه می‌داد. روضه می‌گرفت، زیارت می‌رفت، قرآن چاپ می‌کرد. گاهی می‌گفت من امام‌زمان را دیده‌ام و ظاهرسازی‌هایی از این قبیل تا مردم را گول بزند.^{۲۱}

با این اوصاف مشخص می‌شود امام‌خمینی برای مخالفت و مقابله با رأس حاکمیت و شخص شاه با چه زمینه‌های نامساعد و موانع جدی روبه‌رو بوده‌اند. با وجودی که فضای عمومی جامعه آمادگی لازم را نداشت، اما حضرت امام تلاش می‌کردند مبارزه را به سمت مقابله با شاه جهت‌دهی کنند. آیت‌الله خرازی از جلسه‌ای سخن گفته است که در زمان طرح موضوع انجمن‌های ایالتی و ولایتی با حضور علما در منزل آیت‌الله گلپایگانی تشکیل شده و «امام خیلی با قدرت و شدت صحبت کردند. یکی از تعبیرات ایشان این بود، ظاهراً در کتاب‌ها نیامده، که: شاه خیال کرده قدرتی دارد. اگر بخواهد خودش از این کارها بکند مردم روشن می‌شوند و کم‌کم مثل رئیس حکومت یمن مردم می‌ریزند و تکه‌تکه‌اش می‌کنند.»^{۲۲}

شاید بتوان گفت از زمان اعلام مواد شش‌گانه و فراندوم، مبارزه به سمت مخاطب قرار دادن شاه تغییر جهت داد و ارتقا یافت، به گونه‌ای که «امام فرمود حالا اوضاع با سابق فرق دارد. آن زمان طرف مبارزه علم بود اما امروز خود شاه است و امریکا ... امام روی چرکین‌ترین نقطه دستگاه یعنی شاه دست گذاشتند. گفتند اگر شاه نرود هر دولتی و هر مجلسی هم که سر کار بیاید این کشور درست نمی‌شود.»^{۲۳}

امام پس از سوق دادن جهت مبارزه به سوی شاه، به واقعیت‌های موجود توجه داشته و تفاوت جدی و دشواری مبارزه با شاه در مقایسه با مخالفت با نخست‌وزیر را به همراهان خویش یادآوری می‌کردند: «این بار مثل دفعه پیش نیست. دفعه قبل برای نخست‌وزیر امکان پس گرفتن و عقب‌نشینی خیلی سخت نبود اما حالا شاه عقب‌نشینی نمی‌کند. ما با شاه طرف هستیم و مخالفت با او هم دشوار است ولی وظیفه داریم و باید دنبال کنیم.»^{۲۴}

در قضیه فراندوم بخشی از تلاش امام معطوف به افشای عوام‌فریبی شاه بود. به گونه‌ای که جامعه متوجه شوند این فراندوم صرفاً با هدف تأمین منافع شخصی شاه و حکومت او برگزار می‌شود و ربطی به مصالح مردم و کشور ندارد:

امام از این فراندوم تحت عنوان فراندوم شاهانه یاد می‌کردند و می‌گفتند: شاه که یکی از متمول‌ترین افراد جهان است چرا خرج فراندوم را از جیب خودش نمی‌پردازد؟ مگر نه این است که فراندوم به نفع خود اوست؟ چرا می‌خواهد از بیت‌المال مردم هزینه فراندوم را تأمین کند؟^{۲۵}

در ادامه این روند و پس از حوادث مدرسه فیضیه، امام بر شدت لحن خود افزودند و تعبیر بی‌سابقه‌ای را در ادبیات مبارزه وارد کردند و از جمله «در جریان نامه‌ای که به سیدعلی‌اصغر خویی نوشتند در آن نامه فرموده بودند: شاه‌دوستی یعنی سوزاندن قرآن، شاه‌دوستی یعنی اهانت کردن به روحانیت»^{۲۶}

همچنین «امام اعلامیه شدیداللحنی دادند و در آن مستقیماً به شاه حمله کردند و حادثه فیضیه را برای مردم ترسیم نمودند و فرمودند: من تقیه را حرام و مبارزه را واجب می‌دانم. تا آن زمان در اعلامیه‌های امام چنین لحنی که مستقیماً شاه را مورد خطاب قرار دهد و تقیه را حرام نماید، نبود و از ابتدای اعلامیه امام فرمود که شاه‌دوستی یعنی چه و این نخستین روزی بود که امام تقیه را حرام نمودند»^{۲۷}

حضرت امام تلاش می‌کردند در مجامع عمومی نیز با مخاطب قرار دادن شاه، ترس و ذهنیت عمومی را بشکنند:

امام در آخرین روزهای درسشان سخنرانی مهمی در مسجد اعظم ایراد فرمودند. با لحنی بسیار کوبنده فرمودند: ... برای شکایت از حوادثی که به وجود آورده‌اند به شهربانی مراجعه می‌کنیم، می‌گویند کار ما نیست کار ساواک است. به ساواک مراجعه می‌کنیم، می‌گوید کار شهربانی است. بهتر است هر دو بگویند دستور اعلی حضرت بوده است (و در این جا با شدت و تندی مشت‌شان را محکم به روی دسته منبر زدند) ما چه کنیم با این آقای اعلی حضرت! شاید این نخستین بار بود که شاه در جلسه‌ای عمومی با چنین شدتی مورد خطاب واقع می‌شد.^{۲۸}

همچنین پس از انتشار اخبار دروغ در روزنامه اطلاعات مبنی بر موافقت امام با برنامه حکومت، ایشان تلاش کردند از این مسئله در مسیر تأثیرگذاری بر فضای عمومی جامعه در مخالفت با شاه استفاده کنند. امام در مسجد اعظم قم منبر رفتند و گفتند: «چه کسی با شاه موافقت کرده؟ برنامه‌های انقلاب شاهانه را چه کسی تأیید کرده؟ اگر خمینی موافقت کرده باشد مردم خمینی را از قم بیرون می‌کنند»^{۲۹}

از متن و لحن آن‌چه در خاطرات منعکس شده می‌توان چنین برداشت کرد که امام پیوسته تلاش می‌کردند جامعه را با عنایت به زمینه‌های سیاسی و انگیزه‌های اعتقادی، متوجه مقابله با شاه کنند. پس از حادثه مدرسه فیضیه، امام نه تنها سطح مبارزه را تا مقابله با بالاترین جایگاه حاکمیت (شاه) ارتقا بخشیدند بلکه به صراحت از سرنگونی و تغییر حکومت سخن می‌گفتند. برای نمونه حضرت امام گاهی این تعبیر را به کار می‌بردند که «این‌ها گور خود را کردند. اینها خود را رسوا کردند. اینها دیگر نمی‌توانند بمانند»^{۳۰} هم چنین پس از صحبت‌های

ویژگی‌ها و پیامدهای قیام پانزده خرداد بر پایه تحلیل خاطرات...

شاه در قم که تعبیر ارتجاع سیاه را به‌کار برد، «حضرت امام در پاسخ فرمودند اگر شاه توجه به حرف‌های خود داشته باشد و از روی توجه چنین حرف‌هایی زده باشد همین برای اثبات ارتداد او کافی است.»^{۳۱} در سخنرانی اعتراضی امام به کاپیتولاسیون نیز ایشان تلاش کردند فضای روانی جامعه را به‌سمت تخریب و تحقیر شخصیت شاه سوق دهند. تعبیری که در این سخنرانی آمده گویای این برداشت است: «ایشان در آن سخنرانی بسیار پرشور صراحتاً خطاب به شاه فرمودند: این مردک باز هم دست از کارهایش بر نمی‌دارد. به خیالش در مملکت هیچ‌کس نیست که در مقابلش ایستادگی کند.»^{۳۲}

رویارویی امام با شاه، تا حدود زیادی بر فضای عمومی شهر قم و تغییر نگرش و واکنش مردم و علما نسبت به شاه تأثیرگذار بود. چنان‌که آیت‌الله امینی به‌صراحت از نخستین برخورد آشکار شاه و علما سخن می‌گوید:

پیش از این مرسوم بود وقتی شاهی به قم می‌آمد به‌هر صورت شخصیت خود را تحمیل می‌کرد و علما در صحن یا در حرم با او ملاقات می‌کردند ولی آن روز که شاه به قم آمد هیچ‌کس حاضر به ملاقات با او نشد. آن روز شاه در صحن سخنرانی کرد و من برای اولین بار از او کلمه ارتجاع سیاه را شنیدم. شاه با این کلمه به علما توهین کرد و آنها را ارتجاع سیاه نامید و این تقریباً اولین برخورد علنی بین شاه و علما بود.^{۳۳}

آیت‌الله آذری‌قمی نیز برداشت مشابهی از تأثیر روش امام در مقابله با شاه دارد. وی معتقد است امام توانست با هدف قرار دادن شخص شاه، چهره واقعی وی را افشا کرده و آگاهی جامعه را در این باره تا سطح قابل توجهی افزایش دهد: «با این اوضاع و برنامه‌هایی که حضرت امام پیاده کردند مثل همان اعلامیه شاه‌دوستی، آبروی شاه رفت یعنی عملاً ضد‌مذهب بودنش به همه ثابت شد.»^{۳۴}

محور سوم: تعمیق پیوند بین مردم و روحانیت به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی
توجه به شرایط و اوضاع جامعه و به‌ویژه حوزه‌های علمیه از حیث حضور روحانیت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، می‌تواند به روشن‌تر شدن این بحث کمک کند. چنین به‌نظر می‌رسد که در آستانه قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، زمینه طرح مسائل سیاسی در حوزه‌های علمیه چندان مساعد نبوده است. این فرضیه از متن خاطرات به‌صراحت قابل دریافت و اثبات است. روحانیونی که در قیام ۱۵ خرداد مشارکت داشته و در این مقاله خاطرات آنها مورد بررسی قرار گرفته اغلب تصریح کرده‌اند که سیاست و فعالیت سیاسی در حوزه‌های علمیه، رواج چندانی نداشته حتی به‌عکس، اندیشه دوری از سیاست رونق بیشتری داشت: «مسئله

جدایی دین از سیاست را طوری عنوان کرده بودند که حتی در حوزه‌ها به صورت ضرب‌المثل درآمد بود و همه آن را یک واقعیت تلقی می‌کردند.^{۳۵} آیت‌الله صالحی‌نجف‌آبادی نیز فضای غالب بر حوزه را درباره مسائل سیاسی با تعبیر مشابهی توصیف می‌کند:

در سال‌های ۴۰ تا ۴۳ و حتی بعد از ۴۳ اغلب روحانیون از دخالت در امور سیاسی اجتناب می‌کردند. این فضای حاکم بر حوزه‌های علمیه در آن سال‌ها بود. یعنی یک فرهنگ غلط در حوزه جا افتاده بود مبنی بر این که دین از سیاست جداست. حتی وقتی مسئله‌ای با روحانیون در میان گذاشته می‌شد و از آنها پرسشی می‌کردند در جواب می‌گفتند: اینها به ما مربوط نیست و ما نباید در مسائل سیاسی دخالت کنیم. به هر حال این مسئله به غلط میان روحانیون جا افتاده بود و تبدیل به یک اصل مسلم شده بود که دخالت روحانیون در سیاست جایز نیست و خطرناک هم هست.^{۳۶}

وی در تحلیل این وضعیت و این که چرا تفکر جدایی دین از سیاست در حوزه‌ها قوت گرفته بود، به دو زمینه و علت داخلی و خارجی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل این امر اشاره کرده است:

علت نخست را که علت بیرونی هم هست باید در تبلیغات گسترده‌ای جستجو کرد که استعمار در کشورهای اسلامی انجام می‌داد. می‌بینیم که استعمار همین امروز هم روی تفکر جدایی دین از سیاست تبلیغ می‌کند.

یکی دیگر از دلایل رواج این تفکر که جنبه اجتماعی، تاریخی هم دارد، این است که هیچ‌گاه در طول تاریخ حیات شیعه، حکومت به دست روحانیون نیفتاده بود. به این ترتیب مسئله کاملاً طبیعی است. یعنی هزار سال بر یک جامعه شیعه بگذرد و حکومت از رهبران شیعه دور باشد طبعاً این مسئله تفکری خاص را در حوزه‌ها رواج می‌دهد که جدایی دین از سیاست است.^{۳۷}

در توصیف چگونگی واکنش حوزه نسبت به آیت‌الله کاشانی، به‌عنوان یکی از معدود روحانیونی که وارد عرصه فعالیت سیاسی شد، نکاتی که آقایان بنی‌فضل و صالحی‌نجف‌آبادی در خاطرات خود نقل کرده‌اند، دربردارنده نکات جالب توجهی است و نشان می‌دهد که فعالیت سیاسی و روحانی سیاسی تا چه حد در حوزه نامطلوب شمرده و چنین شخصیتی با انواع برچسب‌ها و تهمت‌ها و بی‌اعتنایی‌ها روبه‌رو می‌شده است:

پیش از نهضت امام تنها شخصیت علمی که از میان علما و روحانیون وارد سیاست شد، مرحوم آیت‌الله کاشانی بود و خدا می‌داند به‌همین دلیل در این حوزه‌ها با چه تعبیراتی

ویژگی‌ها و پیامدهای قیام پانزده خرداد بر پایه تحلیل خاطرات...

از ایشان یاد می‌شد. آدم از بیان عباراتی که درباره ایشان می‌گفتند شرم دارد. حتی گفتند ایشان مسلمان نیست. بعضی‌ها هم که می‌خواستند محترمانه برخورد کنند می‌گفتند ایشان انگلیسی است و از زیر چتر انگلیس بیرون آمده است.^{۳۸}

حقیقتاً هم هر کدام از روحانیون که در سیاست دخالت می‌کردند از جامعه طرد می‌شدند. ما این مسئله را کاملاً در آن سال‌ها لمس می‌کردیم. یک نمونه‌اش مرحوم آقای کاشانی بود. ایشان وقتی از دنیا رفت کسی برای تشییع جنازه‌شان نرفت. کسی از ایشان تجلیل هم نکرد. تنها حضرت امام بودند که اعلام کردند مجلس ترحیمی برای آقای کاشانی در مسجد اعظم برگزار شود. کسی هم در آن مراسم شرکت نکرد. گناه آقای کاشانی همین بود که در سیاست دخالت کرده بود و این مخالفتی بود با آن فرهنگ غلط که در حوزه‌های علمیه جا افتاده بود. من وقتی به مجلس ترحیم ایشان رفتم دیدم خود امام که صاحب‌مجلس بودند دم در نشسته‌اند. در همین شبستان اول که به قبر مرحوم آیت‌الله بروجردی وصل است. امام دم این شبستان نشسته بودند و تنها هفت، هشت نفر از شاگردان امام که به ایشان علاقه‌مند بودند در مجلس حضور داشتند. این مسئله خیلی مایه تأسف است. می‌گفتند آقای کاشانی یک آدم سیاسی است.^{۳۹}

۲۷۵

پس از آن‌که مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی از جانب دولت علم مطرح شد و امام و جمعی از علما و روحانیون در برابر آن موضع گرفتند، دولت در نهایت عقب‌نشینی و مصوبه را لغو کرد. این رویداد فی‌نفسه یک پیروزی برای امام و روحانیت و یک شکست برای حکومت به‌شمار می‌رفت. اما نکته ظریفی که می‌توان آن را حتی مهم‌تر از این پیروزی دانست این است که این اتفاق، تجربه خوشایندی بود که نشان می‌داد مراجع و روحانیت می‌توانند با آگاهی‌بخشی به جامعه در مسائل کشور و حکومت تأثیرگذار باشند. بر این اساس، در مراحل بعدی مبارزه نیز، از جمله رفاندوم و قیام پانزده خرداد، تعامل بین روحانیت و مردم در عرصه مسائل سیاسی و اجتماعی کشور روندی فزاینده یافت. از نگاه آیت‌الله آذری‌قمی، لغو تصویب‌نامه، ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از شرایط جامعه در اختیار روحانیت گذاشت:

آن‌ها مجبور شدند رسماً تصویب‌نامه را لغو کنند. این برای روحانیت و خصوصاً حضرت امام تجربه بزرگی بود. یعنی مردم پس از این همه فشار و درگیری و سرکوب در زمان رضاخان و محمدرضا، قادرند در مسائل سیاسی و دینی دخالت کنند. تا پیش از این ماجرا روحانیت در مورد قدرت مردم تردید داشتند.^{۴۰}

آیت‌الله طاهری معتقد است همراهی روحانیت و مردم در وادار کردن دولت به لغو مصوبه، نقطه عطفی در تاریخ حوزه از حیث حضور و اثرگذاری روحانیت در عرصه

سیاست به‌شمار می‌رود:

در عین حال که این اقدام دولت در لغو مصوبه، پیروزی بزرگی برای روحانیت و مردم مسلمان به‌شمار می‌آید، این جریان، که تا قبل از آن نه مردم امام را به‌عنوان رهبری می‌شناختند و نه روحانیت به این نحو در جریانات سیاسی دخالت کرده بود، نقطه عطفی در تاریخ حوزه‌ها و روحانیت بود که حضور روحانیت در صحنه‌های سیاسی و جدا نبودن دین از سیاست را عملاً به اثبات رساند و نادرستی تصویری را که در ذهن مردم به‌عنوان جدایی و تفکیک دین از سیاست ترسیم شده و شکل گرفته بود، آشکار ساخت.^{۴۱}

پیشگامی یک مرجع تقلید در رهبری یک قیام سیاسی و حضور گسترده و مؤثر طلاب و روحانیت شهرهای مختلف در بدنه قیام، از نگاه آیت‌الله امینی امری بدیع قلمداد شده و به باور او این ویژگی در قیام پانزده خرداد به‌چشم می‌خورد:

در نهضت پانزده خرداد تقریباً روحانیون در رأس کار قرار داشتند و همه علمای شهرستان‌ها، روحانیون، طلاب و علمای قم در صحنه بودند. من تا به امروز نهضتی را که روحانیون پیش‌قدم باشند سراغ ندارم. رهبری نهضت پانزده خرداد به‌عهده یک مرجع تقلید بود.^{۴۲}

۲۷۶

با این اوصاف به‌جرات می‌توان به‌طرح و دفاع از این فرضیه پرداخت که «پس از قیام پانزده خرداد این تفکر زنده شد که دین از سیاست جدا نیست و سیاست متن دین است. این فکر در ذهن طلاب جوان به‌وجود آمد که اسلام می‌تواند حکومت داشته باشد و یک کشور را اداره کند.»^{۴۳}

در حقیقت می‌توان از خاطرات این‌گونه برداشت کرد که در جریان قیام پانزده خرداد و پس از آن، رابطه دوجانبه بین مردم و روحانیت تقویت شده و اگر پیش از آن به‌طور عمده بر ابعاد مذهبی و اخلاقی و عبادی متمرکز بود، از این پس به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز تسری یافته بود. در این تعامل دوسویه، روحانیت وظیفه آگاهی‌بخشی و تبیین مبانی و اهداف قیام،^{۴۴} ایجاد و تقویت انگیزه و ترسیم چشم‌انداز آینده مبارزات^{۴۵} و حفظ و تعمیق پیوند بین رهبری قیام و مردم^{۴۶} را به‌عهده داشته و مردم نیز در زمینه‌های گوناگون اعم از تأمین نیروی انسانی، پشتیبانی مالی و تهیه امکانات^{۴۷} و حضور مؤثر در صحنه مبارزه ایفای نقش می‌کردند.

محور چهارم: مقایسه قیام پانزده خرداد با نهضت‌های پیشین

از جمله نکاتی که مدنظر خاطره‌نگاران بوده و گاه به آن اشاره کرده‌اند، مقایسه قیام پانزده

ویژگی‌ها و پیامدهای قیام پانزده خرداد بر پایه تحلیل خاطرات...

خرداد با نهضت‌ها و قیام‌های پیش از آن است. از نگاه این عده، محوریت اعتقادات اسلامی، رهبری یک مرجع تقلید و ترسیم اهداف اساسی برای قیام، از جمله وجوه تمایز قیام پانزده خرداد با نهضت‌های پیش از آن است.

مرجعیت، جایگاهی مذهبی و علمی است که امکان اثرگذاری بر جامعه و هدایت افکار و باورهای مردم را فراهم می‌آورد. حضور شخصیتی همچون امام خمینی در این جایگاه، ترکیب موزونی از اعتبار علمی و مذهبی و رهبری سیاسی را پدید آورد که در نهضت‌های پیش از پانزده خرداد، کمتر به چشم می‌خورد:

پیش از (پانزده خرداد) آیت‌الله کاشانی در یک نهضت شرکت داشت ولی ایشان مرجع تقلید نبود. این ویژگی مرجع تقلید بودن و اسلامی بودن یکی از عوامل موفقیت بود.^{۴۸}

آیت‌الله کاشانی یک مرد الهی و باتقوا بود ... مبارزه هم کرد ولی شاید بتوان گفت که موفق نشد. یک جهت این عدم موفقیت، مساعد نبودن زمینه در آن روزها بود. جهت دیگر این بود که مقام علمی ایشان در حد مقام علمی امام نبود. یکی از عمده جهات پیروزی نهضت امام و انقلاب، مقام علمی امام بود. این یک واقعیت است. یکی از علمای بزرگ نجف پیش من اعتراف کرد: اگر امام پیش برد عمدتاً به جهت اعلیت و مرجعیت امام بود. این آقا در نهضت و قیام و انقلاب دخالتی نداشت و این جمله را در حیات امام به من گفت ... آن روزها حدود چهارصد نفر مجتهد یا قریب به اجتهاد در درس حضرت امام حاضر می‌شدند. لذا در سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ که امام نهضت را شروع کردند، شاگردان امام چه در حوزه علمیه قم و چه در شهرستان‌ها مردم را متوجه شخصیت، عظمت و اهداف امام کردند.^{۴۹}

گذشته از مقام مرجعیت که زمینه مناسبی را برای تقویت اثرگذاری رهبری سیاسی امام فراهم آورده بود، تأکید و تمرکز ایشان بر اهداف و مبانی اسلامی به‌عنوان چشم‌انداز و چارچوب حرکت، قیام پانزده خرداد را برخلاف برخی نهضت‌های پیش از آن در دایره محدود برخی خواسته‌های مقطعی و موردی یا گروه‌های سیاسی محصور نکرد و دامنه آن را به‌وسعت باورهای دینی گسترش داد:

ریشه انقلاب امام از روز اول، اسلام بود. اما در نهضت مصدق اسلام در کار نبود. در ظاهر به‌عنوان حمایت از ملت و ملی‌گرایی یا چیزهایی از این قبیل بود. در مشروطیت هم همین‌طور بود.^{۵۰}

یکی از تفاوت‌های حرکت حضرت امام در مقایسه با حرکت حضرت آیت‌الله کاشانی این بود که علی‌رغم این که مرحوم آیت‌الله کاشانی بر اساس مذهب حرکت می‌کرد اما آشکارا ابراز و اظهار نمی‌کردند و بیشتر در زمینه‌های اقتصادی حرکت می‌کرد و مسئله نفت را

پی‌گیری می‌نمود، ولی حضرت امام از همان آغاز به قصد پیاده کردن اسلام و قرآن و احکام مبین الهی حرکت نمودند و بارها در سخنرانی‌ها و کلامشان به صراحت این را بیان می‌کردند. از ویژگی‌های دیگر حرکت حضرت امام این بود که از همان آغاز با دعوت علمای وقت و همکاری آنان مبارزه را شروع کردند و هرگز با ملی‌گراها همراه نشدند، بلکه آنان را به دنبال خود کشاندند، ولی مرحوم آیت‌الله کاشانی با همکاری ملی‌گراها و همدستی آنان، نهضت خود را آغاز کردند و همین همدستان به ایشان ضربه زدند.^۱

آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی تلاش کرده است قیام پانزده خرداد را با قیام‌های تنباکو، مشروطه و ملی شدن صنعت نفت مقایسه کند. از جمله نکاتی که در این مقایسه به آن اشاره شده این است که در قیام پانزده خرداد، هدف رهبری و بدنه قیام، رویارویی با اصل حکومت پهلوی بود. این ویژگی را در قیام‌های پیشین کمتر می‌توان یافت:

مسئله مهمی که در این میان مطرح است، رابطه نهضت پانزده خرداد با سایر نهضت‌های پیشین در ایران است. برای مثال نهضت تنباکو را در نظر بگیریم. این نهضت یک جریان مقطعی به حساب می‌آمد. یعنی مرحوم میرزای شیرازی در یک محدوده خاص تصمیم گرفت تا تنباکو را تحریم کند و علت این تحریم هم شکست دادن یک شرکت انگلیسی بود. به همین دلیل، مرحوم میرزای شیرازی فتوای تحریم تنباکو را صادر کرد و این فتوا امر محدودی بود و نمی‌توانست قابل دوام باشد ... اما حرکت پانزده خرداد در مقایسه با نهضت‌های پیشین جریانی بود زیربنایی، ریشه‌ای و بنیادین. یعنی در این مبارزه حضرت امام با شاه طرف بودند. علت دستگیری امام هم در پانزده خرداد همین بود ... درافتادن با رژیم به چه معنی بود؟ یعنی این رژیم با تمام سابقه تاریخی‌اش باید سرنگون شود و حکومت اسلامی جایگزین آن گردد.

یکی دیگر از نهضت‌های مهم پیش از پانزده خرداد، نهضت مشروطیت بود. می‌بینیم که در آن نهضت هم ابداً مسئله سرنگونی سلطنت مطرح نشد. می‌گفتند: سلطنت مطلقه باید مشروطه باشد. یعنی محدود باشد و با اتکا به ضوابطی عمل کند. آن‌جا هیچ سخنی از براندازی سلطنت گفته نشده است ... پس این نهضت هم با نهضت پانزده خرداد قابل قیاس نیست. اما در تاریخ مبارزاتی مردم مسلمان ایران، نهضت ملی کردن صنعت نفت پراهمیت‌ترین حرکت‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید. چرا که این نهضت، یک حرکت مردمی بود. اما با این همه این نهضت در درجه نخست بر مسئله اقتصاد متکی بود. به هر صورت یکی از مهم‌ترین دلایل پیروزی آن نهضت هم جانبداری مرحوم آقای کاشانی و شرکت ایشان در مبارزه بود. در غیر این صورت به پیروزی

ویژگی‌ها و پیامدهای قیام پانزده خرداد بر پایه تحلیل خاطرات...

رسیدن در این مبارزه بعید به نظر می‌رسید. با این همه این نهضت هم به قصد براندازی سلطنت به وجود نیامد، بلکه حرکتی بود مردمی برای حفظ ثروت‌های ملی مردم ایران ... این حرکت‌های مردمی هرگز برای تأسیس یک حکومت مستقل مردمی و اسلامی به وجود نیامد. به این ترتیب این نهضت هم با نهضت پانزده خرداد که یک نهضت ریشه‌ای و بنیادین بود قابل قیاس نیست.^{۵۲}

محور پنجم: توجه به مسائل مستحدثه

مقصود از مسائل مستحدثه، مسائلی است که در زندگی روزمره و روابط اجتماعی جامعه امروزی پدید می‌آید و تا قبل از آن سابقه نداشته و مستلزم آن است که مجتهد و مرجع تقلید بر پایه مبانی و اصول دینی، آن را مورد مطالعه قرار داده و استنباط فقهی خویش را درباره آن بیان کند. طبیعی است هرچه ارتباط جامعه و روحانیت گسترده‌تر باشد، مسائل مستحدثه در سطح گسترده‌تری طرح شده و مراجع تقلید نیز از باب لزوم هدایت جامعه اسلامی، توجه بیشتری به آن نشان خواهند داد. در جریان قیام پانزده خرداد که با حضور گسترده روحانیت در جامعه و سیاست همراه بود، امام خمینی تلاش کردند حوزه علمیه را به سمت توجه بیش از پیش به مسائل مستحدثه و نیازهای روز جامعه سوق دهند. پیشگامی و حرکت ابتکاری امام در این عرصه نیز مورد اذعان خاطره‌نگاران است. از جمله آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی در این باره دیدگاه خود را با صراحت بیان کرده است:

تنها کسی که برای نخستین بار به طرح مسائل جامعه‌داری و در واقع حکومتی در دروس حوزه‌های علمیه پرداخت، حضرت امام خمینی بودند. یعنی مسائل مستحدثه را اولین بار امام در حوزه درس دادند و تا پیش از آن اساساً سابقه نداشت که کسی به آنها بپردازد. این طبیعی بود چون این مسائل از امام پرسیده می‌شد و ایشان هم طبعاً خودشان را ملزم می‌دیدند که به آنها پاسخ بدهند. طرح این مسائل را هم ایشان در منزلشان شروع کردند. خدا رحمت کند حاج آقامصطفی را به خاطر هم هست که در یکی از جلسات کنار ایشان نشسته بودم. امام روی صندلی نشسته بودند و مسائل مستحدثه را تدریس می‌کردند. برای نمونه این مسئله را که ذبح گوسفند و گاو چگونه باید انجام بگیرد. آیا ذبح گاو و گوسفند به وسیله ماشین آن هم صد تا صد تا مشروع است یا خیر؟ یا مثلاً مسائل بیمه، سرقتی مغازه و امثال اینها.^{۵۳}

دیگران نیز تأیید کرده‌اند که امام در زمینه طرح و پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه پیشگام بودند.^{۵۴}

دامنه مسائل تازه‌ای که مطرح می‌شد، گسترده بود و از جمله موضوعاتی همچون «دولت،

قضا و قانون»^{۵۵}، «تشریح اعضای بدن انسان، بخت آزمایی، مسافرت با هواپیما»^{۵۶}، «چک، سفته»^{۵۷} و مانند آن را دربر می‌گرفت.

محور ششم: کاهش اعتبار دیدگاه‌های مارکسیستی و ناسیونالیستی در جامعه ایران
تا پیش از قیام پانزده خرداد، مهم‌ترین جریان‌های فکری و سیاسی جامعه ایران اغلب در احزابی همچون حزب توده با گرایش مارکسیستی و جبهه ملی با گرایش ناسیونالیستی نمود می‌یافت.

گرایش به مارکسیسم در بخش‌های قابل توجهی از جهان، از جمله ایران به‌ویژه در میان جوانان و تحصیل‌کردگان، روندی فزاینده داشت. به‌خصوص آن‌که کشور قدرتمندی همچون اتحاد جماهیر شوروی نیز در ابعاد گوناگون از آن پشتیبانی می‌کرد. آیت‌الله آذری قمی تصریح کرده است که در سال‌های پیش از دهه ۱۳۴۰ شمسی، تفکر مارکسیستی در ایران روبه‌رشد بود و آثار مارکس و لنین و استالین مورد توجه بود.^{۵۸} گسترش اندیشه‌های مارکسیستی در «دانشگاه‌ها، مدارس و دیگر بخش‌های جامعه ایران»^{۵۹} به گونه‌ای بود که «سبب می‌شد مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در مواردی از شاه حمایت کند».^{۶۰}

۲۸۰

از جمله شعارها و دیدگاه‌هایی که در مکتب مارکسیسم مطرح و تبلیغ می‌شد، ناکارآمدی دین و باورهای دینی در اداره جامعه و ایجاد و تقویت حرکت‌های سیاسی، اجتماعی بود. هم‌زمان برخی روشنفکران نیز از نگاهی دیگر و گاه با تکیه بر اندیشه‌های ناسیونالیستی، دیدگاه مذکور را ترویج و تلاش می‌کردند نسل جوان و تحصیل‌کرده را به‌سمت خود جذب کنند:

پیش از قیام پانزده خرداد مارکسیست‌ها معتقد بودند اسلام دینی نیست که در مردم تحرک ایجاد کند بلکه در مقابل ظلم و ظالم، مردم را به سکوت و سازش دعوت می‌کند. هم‌چنین به مردم این‌طور القا کرده بودند که اسلام برای اداره یک حکومت و جامعه برنامه ندارد. حتی می‌گفتند اسلام عامل تحمیق و عقب‌ماندگی مردم است تا ظالمان و ستمگران به مقاصدشان برسند. به‌همین دلیل کسانی که از احکام، معارف و روح ظلم‌ستیزی اسلام آگاه نبودند، در دامن توده‌ای‌ها و مارکسیست‌ها می‌افتادند یا در دام به‌اصطلاح آزادی‌خواهان و روشنفکران ... از جمله گروه‌های دیگری که معتقد بودند با احکام دین اسلام نمی‌توان حکومت تشکیل داد، گروه‌های ملی‌گرا و نهضت آزادی بودند.^{۶۱}

با این اوصاف طبیعی است که نمی‌توان انتظار داشت گروه‌های ملی‌گرا یا مارکسیست همراهی جدی و مؤثری با قیام پانزده خرداد از خود نشان دهند. شاید بتوان این فرضیه را مطرح کرد که قیام پانزده خرداد و حضور جدی روحانیت و رهبران دینی در رأس

ویژگی‌ها و پیامدهای قیام پانزده خرداد بر پایه تحلیل خاطرات...

حرکت‌های سیاسی، اجتماعی، از یک سو دیدگاه‌ها و تحلیل‌های مارکسیست‌ها و ملی‌گراها را در زمینه ناکارآمدی باورهای دینی با علامت سوال جدی مواجه ساخت و از سوی دیگر، به دلیل غیبت این گروه‌ها و جریان‌ها در صحنه مبارزات پانزده خرداد، شکاف و جدایی بین آنها و توده مردم را عمق بیشتری بخشید.

در تأیید این مفروضه، آیت‌الله خلخالی ضمن تأکید بر عدم حضور جریان‌های مذکور در قیام پانزده خرداد، از همراهی برخی عناصر آن با حکومت پهلوی نیز سخن گفته است: ششی که در ۱۵ خرداد امام را دستگیر کردند ما شاهد بودیم که از طرف جبهه ملی آقای اللهیار صالح سخنگوی جبهه ملی آمد کنار پاکروان و در تلویزیون اعلام کرد که جبهه ملی کاری به این کارها ندارد. اصلاً جبهه ملی از همان اول هم خودش را از صف مردم جدا کرده بود. اعضای جبهه ملی که در ایران بودند هیچ‌کدام چه در ۱۵ خرداد و چه در زمان تبعید امام به ترکیه کوچک‌ترین کاری که مطابق میل این مردم باشد انجام ندادند.^{۶۲}

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی خاطرات و دقت در مشاهدات افراد و شخصیت‌هایی که خود از نزدیک، حوادث مرتبط با قیام پانزده خرداد را دیده و در بخش‌هایی از آن سهیم بوده و فعالیت داشته‌اند، برای نسل امروز که واقعیت‌های قیام پانزده خرداد را تنها از طریق اسناد و مدارک و خاطرات می‌تواند دریابد، امکان و عرصه گسترده و مناسبی است تا با مطالعه دقیق و استنتاج منطقی از آن، حداکثر استفاده را از منابع موجود به عمل آورده و بر شناخت خود و نسل‌های آینده از تاریخ معاصر کشور به‌ویژه مقطع پرحادثه و سرنوشت‌سازی همچون دهه ۱۳۴۰ شمسی بیفزاید.

با توجه به مجموعه نکاتی که حول محورهای شش‌گانه این مقاله با برداشت از خاطرات سیزده تن از فعالان روحانی در قیام ۱۵ خرداد مطرح شد، می‌توان چنین استنباط کرد که قیام پانزده خرداد در تاریخ معاصر ایران، تنها یک حادثه سیاسی، اجتماعی نبود. از منظر کلان می‌توان این قیام را نقطه عطف تحولات تاریخ معاصر به‌شمار آورد.

جایگزینی باورهای دینی به‌جای اندیشه‌ها و مکاتب وارداتی همچون مارکسیسم و ناسیونالیسم در شکل‌دهی و هدایت مبارزات سیاسی اجتماعی، از جمله نمودهای این تحول است.

هم‌چنین حضور بی‌رقیب یک شخصیت روحانی و مرجع تقلید که ویژگی‌های یک رهبر سیاسی کارآمد را نیز در خود داشت، در رأس حرکت مبارزاتی جامعه از دیگر نشانه‌های این تحول است.

عرصه دیگری از این تحول را می‌توان در طرح شعارها و اهداف بلندمدت و ریشه‌ای

دانست. سرنگونی حکومت پهلوی و روی کار آمدن حکومتی مبتنی بر باورهای دینی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدفی بود که رهبری قیام ترسیم و دنبال می‌کرد. قیام پانزده خرداد هم‌چنین نشان داد که برخی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، عملاً از جایگاه و وزن سیاسی اجتماعی قابل توجهی برخوردار نیستند. روی دیگر این سخن آن است که در قیام پانزده خرداد، توده مردم مسلمان و معتقد، در مقایسه با جریان‌ها و احزاب سیاسی، نقشی پررنگ‌تر و مؤثرتر ایفا کردند.

پانوشتها

* کارشناس ارشد تاریخ ایران، دوره اسلامی.

- ۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۳۲ خاطرات آیت‌الله احمد آذری قمی.
- ۲- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۵۵ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
- ۳- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۳۲ خاطرات آیت‌الله احمد آذری قمی.
- ۴- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۸۴ خاطرات آیت‌الله صادق خلخالی.
- ۵- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۵۴ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
- ۶- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۵۷ خاطرات آیت‌الله محسن خرازی.
- ۷- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۳۸۲ خاطرات آیت‌الله عباس محفوظی.
- ۸- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۰۱ خاطرات آیت‌الله مرتضی بنی‌فضل.
- ۹- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۸۲ خاطرات آیت‌الله حسین بدلا.
- ۱۰- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۵۷ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
- ۱۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۶۰ خاطرات آیت‌الله محسن خرازی.
- ۱۲- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۸۲ خاطرات آیت‌الله صادق خلخالی.
- ۱۳- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۳۹۸ خاطرات آیت‌الله عباس محفوظی.
- ۱۴- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۵۸ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
- ۱۵- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۵۹ خاطرات آیت‌الله حسن طاهری خرم‌آبادی.
- ۱۶- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۹۴، ۹۵ و ۱۰۳ خاطرات آیت‌الله مرتضی بنی‌فضل.
- ۱۷- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۶۶ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
- ۱۸- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۵ خاطرات آیت‌الله احمد آذری قمی.
- ۱۹- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۶۹ خاطرات آیت‌الله صادق خلخالی.
- ۲۰- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۳۰ خاطرات آیت‌الله احمد آذری قمی.
- ۲۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۶۶ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
- ۲۲- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۴۹ خاطرات آیت‌الله محسن خرازی.
- ۲۳- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۷ خاطرات آیت‌الله احمد آذری قمی.
- ۲۴- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۵۶ خاطرات آیت‌الله محسن خرازی.
- ۲۵- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۷۴ خاطرات آیت‌الله صادق خلخالی.
- ۲۶- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۸ خاطرات آیت‌الله احمد آذری قمی.

- ۲۷- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۵۲ خاطرات آیت‌الله حسن طاهری خرم‌آبادی.
۲۸- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۶۴ خاطرات آیت‌الله حسن طاهری خرم‌آبادی.
۲۹- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۹۰ خاطرات آیت‌الله صادق خلخالی.
۳۰- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۵۳ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
۳۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۴۲ خاطرات آیت‌الله حسن طاهری خرم‌آبادی.
۳۲- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۹۲ خاطرات آیت‌الله صادق خلخالی.
۳۳- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۵۱ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
۳۴- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۳۰ خاطرات آیت‌الله احمد آذری‌قمی.
۳۵- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۹۵ خاطرات آیت‌الله مرتضی بنی‌فضل.
۳۶- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۱۳ خاطرات آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی.
۳۷- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۲۹ خاطرات آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی.
۳۸- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۹۵ خاطرات آیت‌الله مرتضی بنی‌فضل.
۳۹- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۱۳ خاطرات آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی.
۴۰- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۵ خاطرات آیت‌الله احمد آذری‌قمی.
۴۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۴۰ خاطرات آیت‌الله حسن طاهری خرم‌آبادی.
۴۲- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۵۸ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
۴۳- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۴۷ خاطرات آیت‌الله محسن خرازی.
۴۴- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۲۲ خاطرات آیت‌الله مرتضی بنی‌فضل.
۴۵- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۶۷ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
۴۶- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۷۳ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
۴۷- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۵۹ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
۴۸- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۵۸ خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی.
۴۹- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۹۳ و ۱۰۲ خاطرات آیت‌الله مرتضی بنی‌فضل.
۵۰- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۲۴ خاطرات آیت‌الله مرتضی بنی‌فضل.
۵۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۵۵ خاطرات آیت‌الله محسن خرازی.
۵۲- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۳۱ خاطرات آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی.
۵۳- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۳۰ خاطرات آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی.
۵۴- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۳۷ خاطرات آیت‌الله حسن تهرانی و ص ۲۹۹ خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی.
۵۵- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۳۷ خاطرات آیت‌الله حسن تهرانی.
۵۶- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۳۷۷ خاطرات آیت‌الله عباس محفوظی.
۵۷- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۹۹ خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی.
۵۸- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۹ خاطرات آیت‌الله احمد آذری‌قمی.
۵۹- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۰ خاطرات آیت‌الله احمد آذری‌قمی.
۶۰- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۲۰ خاطرات آیت‌الله احمد آذری‌قمی.
۶۱- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۴۶ خاطرات آیت‌الله محسن خرازی.
۶۲- خاطرات پانزده خرداد، دفتر ششم ص ۱۸۴ خاطرات آیت‌الله صادق خلخالی.